





دانشگاه هرمزگان

واحد پردیس قشم

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته مشاوره خانواده

عنوان:

بررسی رابطه سبک های دلبستگی و الگوهای ارتباطی درون خانواده در ارتباطات با جنس مخالف قبل از ازدواج در دختران دبیرستانی شهر بندرعباس

استاد راهنما:

دکتر سیدرضا فلاح چای

استاد مشاور :

دکتر حسین زینلی پور

نگارش :

رقیه رئیسی شهرویی

شهریور ۱۳۹۲

تقدیم به:

تقدیم به تمامی اعضای خانواده ام و کلیه عزیزانی که مراد این مهم همراهی نموده اند

## تقدیر و تشکر:

بسی شایسته است مراتب تجلیل خالصانه خود را از تلاش های ارزنده و سازنده استادان فریخته، جناب آقای

دکتر سید رضا فلاح چای و جناب آقای دکتر حسین زینلی پور که همواره با راهنمایی های دلسوزانه و نکته های ظریف

راهنمای نگارنده در اتمام پایان نامه بوده اید ابراز نمایم.

سعادت، سلامت و شادمانی شما نخبان را همیشه از درگاه ذات احدیت خواهانم

## چکیده

بسیاری از روان شناسان تحولی عقیده دارند احساس گرمی، اعتماد و امنیتی که حاصل دلبستگی ایمن با چهره اولیه دلبستگی است، زمینه سنجش و روان شناختی سازگارانه را در مراحل بعدی رشد فراهم می کند، هم چنین می توان گفت حمایت عاطفی والدین از فرزندان، تایید آن ها و اجرای قوانین عادلانه شرایطی را ایجاد می کند که فرزندان در مقابل وسوسه ها پایداری کنند و لذت هارا به تاخیر اندازند (رحیمی، یوسفی، ۱۳۸۹). پژوهش حاضر با هدف شناسایی رابطه بین سبک های دلبستگی، الگوهای ارتباطی، و گرایش به جنس مخالف دختران دبیرستانی شهر بندرعباس انجام شد. طرح این پژوهش در حیطه تحقیقات توصیفی از نوع همبستگی جای داشت. جامعه آماری این پژوهش شامل دانش آموزان شهر بندرعباس می باشد که در مقطع متوسطه مشغول به تحصیل باشند. با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس تعداد ۳۰۰ دانش آموز به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش عبارت بودند از: پرسش نامه ی اطلاعات جمعیت شناختی و پرسش نامه ی سبک دلبستگی بزرگسال (برای سنجش سبک های دلبستگی که توسط کولینز و رید (۱۹۹۰) ساخته شده)، پرسش نامه ی الگوهای ارتباطی خانواده (کوئرنر و فیتز پاتریک، ۲۰۰۲). این پژوهش دارای سه سوال بود که نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها نشان داد: بین سبک های دلبستگی و ارتباط با جنس مخالف دختران دبیرستانی رابطه وجود دارد سبک های دلبستگی به طور کلی، گرایش به جنس مخالف را پیش بینی می کند، بیشترین ضریب همبستگی برابر با ۰/۳۷ می باشد و ضریب تعیین آن برابر با ۰/۱۴ مربوط به روابط ایمن می باشد و کمترین ضریب همبستگی برابر با ۰/۲۳ می باشد و ضریب تعیین آن برابر با ۰/۰۵ مربوط به روابط سازمان نیافته می باشد. بین الگوهای ارتباطی خانواده و ارتباط با جنس مخالف دختران دبیرستانی رابطه وجود دارد الگوهای ارتباطی درون خانواده به طور کلی گرایش به جنس مخالف را پیش بینی می کند، بر اساس نتایج بدست آمده بیشترین ضریب همبستگی برابر با ۰/۶۳ می باشد و ضریب تعیین آن برابر با ۰/۴۰ مربوط به الگو حمایت گرمی باشد و کمترین ضریب همبستگی برابر با ۰/۱۹ می باشد و ضریب تعیین آن برابر با ۰/۰۳ مربوط به الگو توافق کننده می باشد. در نهایت بین سبک های دلبستگی، الگوهای ارتباطی خانواده و گرایش به جنس مخالف دختران دبیرستانی رابطه وجود دارد، در الگوهای ارتباطی درون خانواده، خانواده های حمایت گر و بی قید می تواند به طور معنادار و مثبتی گرایش به جنس مخالف را پیش بینی کنند. همین طور بین سبک های دلبستگی و الگوهای ارتباطی همبستگی کلی وجود دارد یعنی رابطه معنی دار وجود دارد.

کلیدواژه: سبک های دلبستگی، الگوهای ارتباطی خانواده، دانش آموز دبیرستانی

## فصل اول: طرح پژوهش

۲	۱-۱- مقدمه
۳	۱-۲- بیان مساله
۹	۱-۳- اهمیت و ضرورت انجام پژوهش
۱۱	۱-۴- اهداف پژوهش
۱۱	۱-۴-۱- هدف اصلی
۱۱	۱-۴-۲- اهداف جزئی
۱۱	۱-۵- سوالات پژوهش
۱۱	۱-۵-۱- سوال اصلی پژوهش
۱۱	۱-۵-۲- سوال های فرعی
۱۲	۱-۷- تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش
۱۲	۱-۷-۱- تعریف مفهومی
۱۲	۱-۷-۲- تعریف عملیاتی

## فصل دوم: پیشینه تحقیق

۱۴	۱-۲- گستره نظری مساله مورد پژوهش
۱۴	۱-۱-۲- مقدمه
۱۵	۲-۱-۲- نوجوانی
۲۲	۳-۱-۲- دل بستگی
۳۴	۴-۱-۲- الگوهای ارتباطی
۴۳	۵-۱-۲- رابطه بین سبک های دل بستگی و الگوهای ارتباطی با گرایش به جنس مخالف
۴۴	۲-۲- بررسی پیشینه مطالعاتی
۴۴	۱-۲-۲- بررسی مطالعات خارجی
۴۷	۲-۲-۲- بررسی مطالعات داخلی

## فصل سوم: روش تحقیق

۵۲	۱-۳- مقدمه
۵۲	۲-۳- روش پژوهش
۵۳	۳-۳- جامعه و نمونه آماری

۵۳	۴-۳- ایزارها و نحوه اجرای ارزیابی
۵۳	۳-۴-۱- پرسشنامه الگوی ارتباطی خانواده
۵۴	۳-۴-۲- پرسش نامه سبک دلبستگی بزرگسال
۵۵	۳-۵- نحوه جمع آوری داده ها و ثبت اطلاعات پژوهش
۵۵	۳-۶- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات
	فصل چهارم : تحلیل داده ها
۵۷	۴-۱- مقدمه
۵۷	۴-۲- شرح و توصیف داده های آماری
۷۱	۴-۳- یافته های استنباطی
	فصل پنجم: نتیجه گیری
۷۹	۵-۱- مقدمه
۷۹	۵-۲- یافته ها و تبیین آن ها
۸۴	۵-۳- نتیجه گیری کلی
۸۶	۵-۴- محدودیت های پژوهش
۸۶	۵-۵- پیشنهادات
۸۷	منابع
۹۱	پیوست (پرسش نامه ها)
۹	چکیده انگلیسی

## فهرست جدول ها

صفحه	عنوان
۳۹	جدول ۱-۲: انواع چهارگانه الگوهای ارتباطات درون خانواده
۵۸	جدول ۱-۴: توزیع فراوانی، درصد، درصد تجمعی مربوط به سن پاسخ گویان شرکت کننده در پژوهش حاضر
۵۹	جدول ۲-۴: توزیع فراوانی، درصد، درصد تجمعی مربوط به تحصیلات پاسخ گویان شرکت کننده در پژوهش حاضر
۶۰	جدول ۳-۴: توزیع فراوانی، درصد، درصد تجمعی مربوط به تحصیلات پدران پاسخ گویان شرکت کننده در پژوهش حاضر
۶۱	جدول ۴-۴: توزیع فراوانی، درصد، درصد تجمعی مربوط به تحصیلات مادران پاسخ گویان شرکت کننده در پژوهش حاضر
۶۲	جدول ۵-۴: توزیع فراوانی، درصد، درصد تجمعی مربوط به شغل پدران پاسخ گویان شرکت کننده در پژوهش حاضر
۶۳	جدول ۶-۴: توزیع فراوانی، درصد، درصد تجمعی مربوط به شغل مادران پاسخ گویان شرکت کننده در پژوهش حاضر
۶۴	جدول ۷-۴: توزیع فراوانی، درصد، درصد تجمعی مربوط به وضعیت طلاق در خانواده پاسخ گویان شرکت کننده در پژوهش حاضر
۶۵	جدول ۸-۴: توزیع فراوانی، درصد، درصد تجمعی مربوط به وضعیت ارتباط باجنس مخالف پاسخ گویان شرکت کننده در پژوهش حاضر
۶۶	جدول ۹-۴: توزیع فراوانی، درصد، درصد تجمعی مربوط به طول مدت ارتباط با جنس مخالف پاسخ گویان شرکت کننده در پژوهش حاضر
۶۷	جدول ۱۰-۴: توزیع فراوانی، درصد، درصد تجمعی مربوط به سطح ارتباط با جنس مخالف پاسخ گویان شرکت کننده در پژوهش حاضر
۶۸	جدول ۱۱-۴: توزیع فراوانی، درصد، درصد تجمعی مربوط به الگوهای ارتباطی درون خانواده پاسخ گویان شرکت کننده در پژوهش حاضر
۶۹	جدول ۱۲-۴: توزیع فراوانی، درصد، درصد تجمعی مربوط به سبک دلبستگی پاسخ گویان شرکت کننده در پژوهش حاضر
۷۰	جدول ۱۳-۴: شاخص های آماری میانگین و واریانس مربوط به الگوهای ارتباطی درون خانواده و سبکهای دلبستگی و گرایش به جنس مخالف



- جدول ۱۴-۴: خلاصه مدل رگرسیون مربوط به ارتباط میان دل‌بستگی خانواده و ارتباط باجنس مخالف دختران دبیرستانی  
۷۱
- جدول ۱۵-۴: خلاصه ضریب تعیین و ضریب همبستگی مربوط به ارتباط میان دل‌بستگی و ارتباط باجنس مخالف دختران دبیرستانی  
۷۱
- جدول ۱۶-۴: خلاصه نتایج تحلیل واریانس یک راهه مربوط به ارتباط میان دل‌بستگی و ارتباط باجنس مخالف دختران دبیرستانی  
۷۲
- جدول ۱۷-۴: خلاصه بررسی معنی داری نتایج تحلیل واریانس یک راهه مربوط به ارتباط میان دل‌بستگی و ارتباط باجنس مخالف دختران دبیرستانی  
۷۲
- جدول ۱۸-۴: ضرایب معادله رگرسیونی همزمان مربوط به ارتباط میان دل‌بستگی و ارتباط باجنس مخالف دختران دبیرستانی  
۷۳
- جدول ۱۹-۴: خلاصه ضرایب معنی داری معادله رگرسیونی همزمان مربوط به ارتباط میان دل‌بستگی و ارتباط باجنس مخالف دختران دبیرستانی  
۷۴
- جدول ۲۰-۴: خلاصه مدل رگرسیون مربوط به ارتباط میان الگوهای ارتباطی خانواده و ارتباط باجنس مخالف دختران دبیرستانی  
۷۴
- جدول ۲۱-۴: خلاصه ضریب تعیین و ضریب همبستگی مربوط به ارتباط میان الگوهای ارتباطی و ارتباط باجنس مخالف دختران دبیرستانی  
۷۵
- جدول ۲۲-۴: خلاصه نتایج تحلیل واریانس یک راهه مربوط به ارتباط میان الگوهای ارتباطی و ارتباط باجنس مخالف دختران دبیرستانی  
۷۵
- جدول ۲۳-۴: خلاصه بررسی معنی داری نتایج تحلیل واریانس یک راهه مربوط به ارتباط میان الگوهای ارتباطی و ارتباط باجنس مخالف دختران دبیرستانی  
۷۶
- جدول ۲۴-۴: ضرایب معادله رگرسیونی همزمان مربوط به ارتباط میان الگوهای ارتباطی و ارتباط باجنس مخالف دختران دبیرستانی  
۷۶
- جدول ۲۵-۴: ضرایب معنی داری معادله رگرسیونی همزمان مربوط به ارتباط میان الگوهای ارتباطی و ارتباط باجنس مخالف دختران دبیرستانی  
۷۷
- جدول ۲۶-۴: خلاصه ضریب همبستگی اسپیرمن و سطح معنی داری مربوط به ارتباط میان الگوهای ارتباطی خانواده و سبک های دل‌بستگی  
۷۷

## فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
۲۳	نمودار ۱ - ۲ : چرخه دل‌بستگی در سال اول زندگی
۲۷	نمودار ۲ - ۲ : نمودار دوی‌بعدی که به وسیله دل‌بستگی مضطرب و اجتنابی ایجاد شده است
۴۲	نمودار ۳-۲ نمودار تعامل انواع الگوهای ارتباطی خانواده
۵۸	نمودار ۱-۴: توزیع درصد فراوانی مربوط به سن پاسخ‌گویان و همچنین ارتباط باجنس مخالف
۵۹	نمودار ۲-۴: توزیع درصد فراوانی مربوط به تحصیلات پاسخ‌گویان و همچنین ارتباط باجنس مخالف
۶۰	نمودار ۳-۴ : توزیع درصد فراوانی مربوط به تحصیلات پدران پاسخ‌گویان و همچنین ارتباط باجنس مخالف
۶۰	نمودار ۴ - ۴ : توزیع درصد فراوانی مربوط به تحصیلات مادران پاسخ‌گویان و همچنین ارتباط باجنس مخالف
۶۱	نمودار ۵-۴: توزیع درصد فراوانی مربوط به شغل پدران پاسخ‌گویان و همچنین ارتباط باجنس مخالف
۶۲	نمودار ۶-۴: توزیع درصد فراوانی مربوط به شغل مادران پاسخ‌گویان و همچنین ارتباط باجنس مخالف
۶۳	نمودار ۷-۴ : توزیع درصد فراوانی مربوط به وضعیت طلاق در خانواده پاسخ‌گویان و همچنین ارتباط باجنس مخالف
۶۴	نمودار ۸-۴: توزیع درصد فراوانی مربوط به وضعیت ارتباط باجنس مخالف پاسخ‌گویان شرکت‌کننده
۶۵	نمودار ۹ - ۴ : توزیع درصد فراوانی مربوط به طول مدت ارتباط با جنس مخالف پاسخ‌گویان شرکت‌کننده
۶۶	نمودار ۱۰-۴: توزیع درصد فراوانی مربوط به سطح ارتباط با جنس مخالف پاسخ‌گویان شرکت‌کننده
۶۷	نمودار ۱۱ - ۴ : توزیع درصد فراوانی مربوط به الگوی ارتباطی درون خانواده پاسخ‌گویان و همچنین ارتباط با جنس مخالف
۶۸	نمودار ۱۲ - ۴ : توزیع درصد فراوانی مربوط به سبک دل‌بستگی پاسخ‌گویان شرکت‌کننده و همچنین ارتباط با جنس مخالف
۷۹	نمودار ۱۳ - ۴ : توزیع درصد فراوانی مربوط به سبک دل‌بستگی پاسخ‌گویان شرکت‌کننده و همچنین ارتباط با جنس مخالف

# فصل اول

## طرح تحقیق

## ۱ - ۱ - مقدمه :

نوجوانی دوره ی تغییرات بدنی و هورمونی است که اغلب به تغییرات چشمگیر در تهییج پذیری<sup>۱</sup> و رفتار منجر می شود. موقعی که نوجوانان در جستجوی هویتی مستقل از والدین به ابراز خودشان می پردازند ائتلاف و تاکیدشان از نظر روان شناختی و اجتماعی از خانواده به گروه هم سالان منتقل می شود از نظر رفتاری ، اغلب شاهد گذر از اطاعت آرام در دوره ی کودکی به برخورد حاکی از بدگمانی و مقابله جویانه با بزرگسالان در دوره نوجوانی هستیم . نوجوانان به شدت درباره شکل بدن ، روابط اجتماعی ، عشق و مسایل جنسی اشتغال ذهنی دارند. چالش رشدی غلبه بر تنهایی از طریق برقراری روابط نزدیک و صمیمی ، در این دوره دغدغه عمده ای است ( پروت<sup>۲</sup> و براون<sup>۳</sup> ۱۹۴۷؛ فرهی ، ۱۳۸۳) .

جان بالبی دلبستگی را جو هیجانی حاکم بر روابط کودک با مراقبش تعریف کرد . رابطه نا ایمن موجب بی اعتمادی ، مشکل درهماهنگی و حساس بودن و نارضایتی هیجانی در روابط عاشقانه می شود . دلبستگی در رابطه والد و کودک به رابطه عاشقانه بزرگسالی فرد انتقال می یابد و می تواند بر رفتار ، شناخت و هیجانات ، در هر زمانی از زندگی ، از نوزادی تا بزرگسالی تاثیر بگذارد . دلبستگی در روابط به طور ارادی و داوطلبانه و یا به طور کامل قطع نمی شود و هر گونه خللی در یک رابطه ی دلبستگی دردناک است و موجب سوگواری در فرد می گردد (بالبی<sup>۴</sup> ، ۱۹۶۹ ، فروید<sup>۵</sup> ۵۳ - ۱۹۴۹ ، اینسورت<sup>۶</sup> ۱۹۹۱؛ خوشابی و ابوحمزه ، ۱۳۸۶) .

به نظر بالبی (۱۹۶۹)، و برترتن<sup>۷</sup> (۱۹۸۷)، در خلال سال های اولیه رشد ، افراد برحسب تجارب شان با چهره های دلبستگی و تعامل با جهان مادی ، الگوهای موثر درونی را به وجود می آورند . به کمک همین الگوهاست که شخص وقایع را درک و تفسیر کرده ، حوادث را پیش بینی و طرحهایی را بنا می کند (کولینز<sup>۸</sup> و رید<sup>۹</sup> ، ۱۹۹۴ ) از الگوهای موثر درونی ، متاثر می شود ، شخصیت و روابط صمیمانه است که شامل روابط عاشقانه و ازدواج نیز می شود (کولین ، ۱۹۹۶؛ رضازاده ، دادستان و کیامنش ۱۳۸۵) .

مفهوم الگوی ارتباطی خانواده یا طرح واره های ارتباط خانواده ، ساختار علمی از دنیای ظاهری خانواده است ، که براساس ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر و اینکه اعضا چه چیزی به یک دیگر می گویند و چه کار انجام می دهند و اینکه چه معنایی از این ارتباطات دارند ، تعریف می شود . ( کوئر<sup>۱۱</sup> ، فیتز پاتریک<sup>۱۲</sup> ۲۰۰۲ ، بارل ، فیتز پاتریک<sup>۱۳</sup> ۱۹۹۰؛ فیتز پاتریک ، کوئر<sup>۱۴</sup> ۲۰۰۴ ، کشتکاران ، ۱۳۸۸) . براساس فیتز پاتریک و ریچی<sup>۱۳</sup> (۱۹۹۴)

1 - emotionality  
3 - Brown , D  
5 - Freud, S  
7 - Bertherton , I  
9 - Read ,S . J  
11- Koerner , A  
13- Ritchie , L.D

2 - Prout , H. T  
4- Bowlby , J  
6- Ainsworth.M.D  
8 - Coolins , N  
10 - communication pattern  
12 - FitzPatrick , M.A

دو مفهوم جهت گیری: ۱- گفت و شنود<sup>۱</sup> و ۲- همناوی<sup>۲</sup> را به صورت دو بعد کلیدی تعیین کننده چگونگی ارتباط اعضای خانواده در مدل الگوی ارتباطی خانواده است (کشتکاران، ۱۳۸۸). چهار نوع الگو یا چهار نوع خانواده از ترکیب وضعیت های زیاد یا کم روی پیوستارهای دو بعد جهت گیری گفت و شنود و جهت گیری همناوی حاصل می شوند، عبارتند از؛ ۱- خانواده توافق کننده<sup>۳</sup> - خانواده کثرت گرا<sup>۴</sup> - خانواده حمایت گرا<sup>۵</sup> - خانواده بی قید<sup>۶</sup> (رحیمی، خیر، ۱۳۸۶).

مطالعات فراوانی نشان می دهد که مشکلات رفتاری و انحرافات افراد بیشتر ریشه در خانه های شان دارد و عملکردهای بد خانوادگی به وسیله طلاق یا مرگ والدین ممکن است نوجوانان را به سوی مشارکت در رفتارهای پرخطر سوق دهد (اکرویدیو، ۲۰۱۰؛ شهرکی، نویدیان، انصاری و فرجی، ۱۳۹۰).

باتوجه به این که بخش مهمی از هویت، اخلاق، ارزشها، هنجارها و نحوه رفتار در زندگی روزمره توسط تعاملات اجتماعی و در بافت فرهنگ و الگوهای جامعه پذیری خانواده شکل می گیرند (گافمن<sup>۷</sup>، ۱۹۵۹، تینگ و تومی<sup>۸</sup>، ۲۰۰۵، ریس<sup>۹</sup>، ۲۰۰۵؛ رحیمی و یوسفی، ۱۳۸۹)، و تصور محققان، این است که دلبستگی ایجاد شده در دوران کودکی هم چنان به مراحل بعدی زندگی تداوم می یابد و زندگی فرد را تحت تاثیر قرار می دهد (عطاری و همکاران ۱۳۸۵)، شناسایی رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده، سبک های دلبستگی خانواده، و ارتباط با جنس مخالف دختران دبیرستانی هدفی است که در این پژوهش دنبال می شود.

## ۱ - ۲ - بیان مسئله :

انسان ها به دنبال ارضا یا حفظ نیاز به عشق و احساس تعلق، قدرت، تفریح، آزادی و بقا هستند. چنانچه افراد در ارضای این نیازها موفق شوند، احساس کنترل بر زندگی خود خواهند کرد. گاهی نیز افراد برای ارضای نیازهای خود دست به انتخاب هایی می زنند که ممکن است کارآمد نباشند، در آن صورت احساس ناکامی می کنند و برای کاهش احساس ناکامی به رفتارهای خاصی روی می آورند (گلسر<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۲).

1 - Conversation  
3 - The Family agreed  
5 - protective  
7 - Goffman  
9 - Ries, SH. K

2 - Conformity  
4- pluralistic  
6 - Laissez - faire  
8 - Ting - Toomy  
10 - Glasser . W

دلبستگی اساسی افراد با تعاملات اجتماعی با مراقبان آغاز می شود. در نتیجه بزرگسالان برای دستیابی بر روابط احساسی مثبت باید در کودکی تحولات اجتماعی فرزند-والدی قابل توجهی را تجربه کرده باشند. در طی سال ها عملکرد رابطه به طور چشمگیری گسترش یافته است و دیدگاه متعادل تری از علل محیطی و درون فردی و راه حل ها موجب این جریان شده است. عملکرد رابطه از گسترش دلبستگی والد-فرزند در دوران کودکی آغاز و تا بزرگسالی ادامه دارد که شکل گیری چارچوب نظریه ی دلبستگی را از درون عملکرد رابطه موجب می شود (فینی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲؛ کلارک<sup>۲</sup> و فینی، ۲۰۰۷). اهمیت روابط دلبستگی اولیه و نقش آن در هدایت رشد اجتماعی-هیجانی آتی فرد، به طور گسترده ای در دهه های اخیر به اثبات رسیده است (کسیدی<sup>۳</sup> و شاور<sup>۴</sup>، ۱۹۹۹؛ اصغری نژاد و دانش، ۱۳۸۴).

بسیاری از روان شناسان تحولی عقیده دارند احساس گرمی، اعتماد و امنیتی که حاصل دلبستگی ایمن با چهره اولیه دلبستگی است، زمینه سنجش و روان شناختی سازگارانه را در مراحل بعدی رشد فراهم می کند. بالبی (۱۹۸۰ / ۱۹۷۳)، در نظریه دلبستگی بر این نکته تاکید داشت که ارتباطات اولیه دوران کودکی سبک دلبستگی فرد را شکل می دهد و بر دیدگاه فرد درباره خود، دیگران و روش سازماندهی ارتباطات میان فردی تاثیر می گذارد. بر طبق این نظریه تاثیر کیفیت دلبستگی در تمامی فراخنای عمر تداوم دارد و تبیین کننده تفاوت های فردی در زمینه روش های مقابله ای با آزردهی های درونی و تنظیم روابط میان فردی است. بالبی پیوند دلبستگی را در کودک یک نیاز اولیه و اساسی می داند، به عبارت دیگر همه انسانها تحت تاثیر پیوندهای دلبستگی خود قرار دارند (مظاهری ۱۳۷۷؛ مویدفرا، آقامحمدیان، طباطبایی، ۱۳۸۶).

بالبی، اینسورت، بلهار<sup>۵</sup>، واترز<sup>۶</sup> و وال<sup>۷</sup> (۱۹۷۸)، سه سبک دلبستگی<sup>۸</sup> ایمن<sup>۹</sup>، اجتنابی<sup>۱۰</sup> و دوسو گرا<sup>۱۱</sup> را در کودکی توصیف کرده اند که در بزرگسالی نیز مورد تایید قرار گرفته است (هازن<sup>۱۲</sup> و شیور<sup>۱۳</sup>، ۱۹۸۷؛ بشارت، شالچی، ۱۳۸۶).

سبک های دلبستگی، تعیین کننده قواعد عاطفی و شناختی و راهبردهای هستند که واکنش های هیجانی را در افراد و روابط بین شخصی هدایت می کنند. اینسورت نیز رفتار دلبستگی در روابط بزرگسالی را به عنوان

1- Feeney, J. A  
3- Cassidy. J  
5 - Blehar, M. C  
7 -Wall,S  
9 - Secure  
11 - Ambivalent  
13 - Shaver, P

2- Clark, R. D  
4 - Shaver. P. R  
6 - Waters, E  
8 - attachment style  
10 - avoidant  
12- Hazan, C

اساس پدیده ی ایمنی در هسته زندگی انسان مورد تاکید قرار داد او اظهار داشت که دلبستگی ایمن ، عملکرد و شایستگی را در روابط بین فردی تسهیل می کند (خوشابی و ابوحمزه ، ۱۳۸۶) .

هازان و شیور (۱۹۸۷) ، بر اساس نظریه دلبستگی بالبی دلبستگی بزرگسالی را پایه ریزی کردند. این پژوهش گران به دو شکل دلبستگی بزرگسالی را بررسی کرده اند:

الف : بازنمایی های درونی یا الگو هایی که رفتار میان فردی و پردازش اطلاعات را هدایت می کند.

ب : راهبردها و شیوه های اختصاصی که افراد برای حفظ امنیت خود استفاده می کنند به طور کلی بر اساس

نتایج بدست آمده از پژوهش های انجام شده در زمینه سبک های دلبستگی نوزادی ( اینسورث و همکاران

، ۱۹۷۸) ، هازان و شیور (۱۹۸۷) ، سبک های دلبستگی بزرگسالی را در سه طبقه بندی ارائه دادند

۱. ایمن : افراد ایمن در برقراری روابط صمیمی راحت هستند ، تمایل دارند برای دریافت حمایت به دیگران وابسته باشند و اطمینان دارند که دیگران آنها را دوست دارند ، چهره های دلبستگی خود را به عنوان افرادی گرم توصیف می کنند. تصویری مثبت از خود دارند و از دیگران توقعات و انتظارات مثبت دارند.

۲. مضطرب و دوسوگرا : این افراد برای برقراری روابط نزدیک تمایل شدیدی دارند اما در عین حال نگرانی بسیاری از طرد شدن دارند پذیرش از طرف دیگران را شرط لازم برای داشتن احساس خوب نسبت به خود می دانند. این افراد تصویر منفی از خود دارند ولی نگرش مثبت نسبت به دیگران دارند. ۳. اجتنابی : برای این دسته از افراد مساله ارزشمند خود اتکایی است زمانی که احتمال می رود از طرف دیگران طرد شوند با انکار نیاز دلبستگی در حفظ تصویر مثبت از خود سعی می کنند؛ افراد اجتنابی از دیگران انتظارات و نگرش منفی دارند.

انسان ها ذاتا برای ارتباط با دیگران تلاش می کنند (بالبی ، ۱۹۸۸، ۱۹۶۹) . وقتی والدین در کودکی به صورت مناسبی به این نیاز کودک پاسخ می دهند ، در کودک یک سبک دلبستگی ایمن رشد می یابد . ولی در صورتی که با نیاز به دلبستگی کودکان به طور مناسبی برخورد نشود ، نوعی سبک دلبستگی نا ایمن در آنها شکل می گیرد . نوجوانان با سبک دلبستگی بی تفاوت اهمیت روابط دلبستگی را با کاستن از ارزش آن و یا نادیده گرفتن تاثیرشان می کاهند . در مقابل ، نوجوانان با سبک دلبستگی اضطرابی بر ارتباطات دلبستگی شان تاکید شدیدی داشته و با آن درگیری زیادی دارند (جانسون<sup>۱</sup> و ویفن<sup>۲</sup> ، ۲۰۰۵ ؛ بهرامی و همکاران ، ۱۳۸۷) . توجه و

علاقه مادر به نوزاد سبب می شود تا نوعی پیوند عاطفی بین او و فرزندش ایجاد شود و در طفل نیز نسبت به مادر دلبستگی پیدا کند . که اساس حالات عاطفی و رفتارهای اجتماعی بعدی او است ( کرباسی ، ۱۳۸۹ ) .

به نظر بالبی (۱۹۶۹)، و برترتن ( ۱۹۸۷)، در خلال سال های اولیه رشد ، افراد برحسب تجاربشان با چهره های دلبستگی و تعامل با جهان مادی ، الگوهای موثر درونی را به وجود می آورند . به کمک همین الگوهاست که شخص وقایع را درک و تفسیر کرده ، حوادث را پیش بینی و طرحهایی را بنا می کند (کولینز ورید<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴)، از الگوهای موثر درونی ، متاثر می شود ، شخصیت و روابط صمیمانه است که شامل روابط عاشقانه و ازدواج نیز می شود ( کولین، ۱۹۹۶؛ رضازاده ، دادستان و کیامنش ۱۳۸۵) . نظام دلبستگی در روابط والدین – کودک وهم پس از آن در روابط عاشقانه فعال است و در نوزادی ، کودکی و بزرگسالی روابط دلبستگی تاثیرات نیرومند بر رفتارها ، شناخت ها و هیجان ها دارند. این فرضیه الگو یا کیفیت دلبستگی در رابطه ی والین – کودک را مشابه یا حتی تاثیرگذار در الگو یا کیفیت دلبستگی در روابط عاشقانه بعدی می داند (کروال<sup>۱</sup> و تریباکس<sup>۲</sup> ، ۲۰۰۸؛ رئیسی پور ۱۳۹۱) . تحقیق هازن و شیور (۲۰۰۰)، نشان داد که تغییر در تجربه های اجتماعی تفاوت های نسبتا پایداری را در سبک های ارتباطی بوجود می آورد نیز سبک های دلبستگی در روابط بزرگسالان خود را نمایان می کند. دلبستگی به طور مداوم و فعال موضوع چالش بر انگیزی در تحقیق است چرا که از چشم انداز های متفاوتی می توان آن را در نظر گرفت، از بسیار پیچیده تا جنبه های بیولوژیکی ، شناختی ، احساسی ، رفتاری که در طول زمان تغییر کرده اند (کاسیدی<sup>۳</sup> ، ۱۹۹۹).

کوئستر<sup>۴</sup>، فرنز<sup>۵</sup> و وینبرگر<sup>۶</sup> (۱۹۹۰) ، دریافتند که رفتارهای والدین با فرزندان در سن پنج سالگی ، رفتارهای همدلانه درسی و یک سالگی را پیش بینی می کند . ایزنبرگ<sup>۷</sup> (۱۹۹۲)، نیز معتقد است که حمایت های خانوادگی (عواطف مثبت ، تشویق ، تحسین ، گرمی ، عواطف فیزیکی ) با رفتار همدلانه در جوانی مرتبط است . در مجموع می توان گفت حمایت عاطفی والدین از فرزندان ، تایید آن ها و اجرای قوانین عادلانه شرایطی را ایجاد می کند که فرزندان در مقابل وسوسه ها پایداری کنند و لذت هارا به تاخیر اندازند ( لمبورن ، مونتز ، استینبرگ و درنباش<sup>۸</sup> ، ۱۹۹۱؛ رحیمی ، یوسفی ، ۱۳۸۹) .

مدل الگوهای ارتباطی خانواده چفی<sup>۹</sup> و مک لئو<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۲) با این سوال آغاز می شود که چگونه محیط ارتباطی خانواده بر رشد ادراک واقعیت فرزندان و جامعه پذیری آن ها اثر می گذارد (کوئستر و فیتز پاتریک ، الف ۲۰۰۲؛ رحیمی ، یوسفی، ۱۳۸۹) . فیتز پاتریک و ریچی (۱۹۹۴)، در تشریح این مدل دو جهت گیری: ۱-

1- Crowell , J

3 – Cassidy . J

5 – Franz , C

7 – Eisenberg , N

9 – Chaffee , S.H

2- Treboux ,D

4 – Koestner , R

6 – Winberger , J

8 – Lamborn , S.D & Mounts,N.S & Steinberg , L & Dornbusch , S.M

10 – Mcleod . J.M



گفت و شنودو ۲- همنوایی را به عنوان باورهای اساسی تعیین کننده الگوهای ارتباطی خانواده مفهوم سازی کرده اند (رحیمی و یوسفی ، ۱۳۸۹).

چهار نوع الگو یا چهار نوع خانواده از ترکیب وضعیت های زیاد یا کم روی پیوستارهای دو بعد جهت گیری گفت و شنود و جهت گیری همنوایی حاصل می شوند . و عبارتند از ؛ ۱- خانواده توافق کننده ۲- خانواده کثرت گرا ۳- خانواده حمایت گر ۴- خانواده بی قید.

۱- خانواده های توافق کننده : گفت و شنود و همنوایی بالایی دارند ، در چنین خانواده هایی از یک سو علاقه به ارتباط باز و کشف عقاید تازه و از سوی دیگر فقط سلسله مراتب موجود ، اهمیت دارد . والدین ضمن علاقه وافر به فرزندان و اظهار نظراتشان ، خودشان تصمیم گیرنده نهایی خانواده محسوب می شوند.

۲- خانواده های کثرت گرا: گفت و شنود بالا و همنوایی کم دارند . موضوعات به صورت باز و سرگشاده مطرح می شوند و همه اعضای خانواده در گفتگوها شرکت دارند . والدین ضرورتی برای کنترل فرزندان یا تصمیم گیری در آنها نمی بینند ، تمایل به پذیرش عقاید فرزندان خود دارند و اجازه می دهند به طور برابر در تصمیم گیری های خانواده شرکت داشته باشند .

۳- خانواده های حمایت گر : گفت و شنود کم و همنوایی بالایی دارند . در این خانواده ها بر اطاعت از مرجعیت و صاحب اختیاری والدین تاکید می شود و به تفکر ، تعقل ، و ارتباطات باز اهمیت چندانی داده نمی شود . والدین معتقدند ، آنها باید برای خانواده و فرزندان شان تصمیم بگیرند و دلیلی نمی بینند در مورد تعلیمات خود توضیحی به فرزندان شان بدهند .

۴- خانواده های بی قید : گفت و شنود و همنوایی پایینی دارند . میزان تعلیمات بین اعضای خانواده کم است و معمولاً تنها تعداد محدودی از موضوعات مورد بحث و تبادل نظر قرار می گیرد . والدین معتقدند تمام اعضای خانواده باید قادر به تصمیم گیری باشند ، اما برخلاف خانواده های کثرت گرا به تعلیمات فرزندان خود و برقراری ارتباط و محاوره با آنها علاقه ای نشان نمی دهند .

الگوهای ارتباطی خانواده تاثیر مهمی بر ویژگی های شخصیتی نوجوانان دارد. خانواده هایی با جهت گیری گفت و شنود که بر ارتباطات آزاد و راحت در زندگی خانوادگی تاکید دارند، در مقایسه با خانواده هایی با جهت گیری همنوایی، منجر به شکل گیری منبع کنترل درونی و عزت نفس بالا در فرزندان می شوند. هر چه محیط خانواده شرایط گفتگوی راحت را بیشتر فراهم آورد، سلامت و زندگی غنی تر فرزندان را در پی دارد ( فراهتی، فتحی آشتیانی، مرادی، ۱۳۹۰). تحقیقات در زمینه الگوهای ارتباطی خانواده ، نشان دهنده این است

که الگوهای ارتباطی درون خانواده با تاب آوری (کشتکاران ۱۳۸۸) و با همدلی و خویشن داری رابطه معنا داری دارد (یوسفی و رحیمی، ۱۳۸۹).

یکی از ویژگی های رشد اجتماعی دوران نوجوانی ظهور علاقه به جنس مخالف است بدین معنی که نوجوان ، ضمن آنکه می کوشد هویت جنسی و رابطه خود را با گروه هم‌تایان حفظ کند ، به ارتباط و دوستی با جنس مخالف نیز علاقه نشان می دهد (پارسا ، ۱۳۶۸). بر اثر بیداری جنسی ، نوجوانان برای جلب نظر جنس مخالف و ابراز شخصیت نه تنها به حفظ ظاهر شان می پردازند ، بلکه در رفتار افراد خانواده و در وضع منزل شان نیز اظهار نظر می کنند . همچنین از مقام و منزلت منسوبان و نزدیکان و موقعیت های شان احساس غرور و سربلندی می کنند (پارسا ، ۱۳۶۸). در نوجوانی دوستی ها استحکام می یابند و به شکل های مختلفی نمایان می شوند . رفاقت ، صمیمیت ، احساس تعلق به گروه ، زنده دلی ، فعالیت و جنب و جوش و توجه به جنس مخالف از ویژگی های خاص این مرحله است (پارسا ، ۱۳۶۸).

نوجوانی زمانی است که کودک از وابستگی به سوی استقلال و از قید و بند اولیه ای که در خانواده دارد به سوی تعهد با دوستان نزدیک و شریک عشقی اش می رود . پیچیده تر شدن افکار اظهار شده از سوی نوجوان نشان‌دهنده ی فهم غنی تر او در مورد روابط اجتماعی است . حوزه ی مهم روابط اجتماعی به سوی هم سن و سالان ، مدرسه ، همکاران و شریک عشقی آنها گسترده می شود . قیدوبندها و تعهدات درون خانواده باید به هم خورده و با ارتباطات و نقش های اجتماعی جدید دوباره متعادل شوند . تغییرات پیچیده ی دوره ی نوجوانی فرصت ها و موقعیت های جدیدی را به نوجوان و خانواده می دهد . این دوره گذرا می تواند موقعیت جدیدی برای والدین و نوجوان جهت دگرگون کردن ارتباطات آنها با یکدیگر و به همین ترتیب احساس شخصی آنها از خودشان باشد (جانسون و ویفن ، ۲۰۰۵ ؛ بهرامی و همکاران ، ۱۳۸۷) . نوجوانی زمانی می تواند یک دوره وسعت روان شناختی و ارتباطی باشد که در آن کودک و خانواده اش کشف دنیای وسیع تر و غنی تر ارتباطات دلبستگی را جشن می گیرند . این رشد در خود ابرازی های غنی تر و پیچیده تر نوجوان از خودش و دیگران منعکس می شود . اختلافات و تعارضات بین نوجوان و خانواده اش می تواند فرصتی برای رشد باشد . نوجوان و والدینش در ارتباط با یکدیگر می توانند به صورت مثبتی در این فرایند متحول شوند (جانسون و ویفن ، ۲۰۰۵ ؛ بهرامی و همکاران ، ۱۳۸۷) .

برخی گزارش های تحقیقی از این ادعا حمایت کرده اند که محیط خانوادگی خوب ، با عملکرد تحصیلی بهتر (انتوایزل<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰) و تعامل مثبت تر با هم سالان رابطه نزدیک دارد (ساوین-ویلیامز<sup>۲</sup>، و برنندت<sup>۳</sup>، ۱۹۹۰). نوجوانانی که با والدین و هم سالان رابطه خوبی دارند ، نسبت به نوجوانانی که بیشتر از والدین ، به سمت هم سالان گرایش دارند کمتر دچار افسردگی می شوند (کندل<sup>۴</sup>، و دیویس<sup>۵</sup>، ۱۹۸۲) کودکان اگر دلبستگی قوی به والدین

1- Entwisle,D  
3- Berndt.T  
5- Davies,M

2- Savin-Williams,R  
4-Kandel,D, B

خود را حفظ کنند ، کمتر احتمال دارد که با همسالان در دسر ساز درگیر شوند (براون، مونتر، لامبورن و استینبرگ، ۱۹۹۳؛ گات فرودسون<sup>۱</sup> و هیرشی<sup>۲</sup>، ۱۹۹۴؛ استینبرگ و سیلوربرگ<sup>۳</sup>، ۱۹۸۶) در بین جوانان طبقات محروم حمایت اجتماعی خانواده می تواند در مقابل تاثیر منفی محیط های آسیب زا و نفوذ هم سالان منحرف ، به عنوان یک سپر حفاظتی عمل کند(فروان گلاس<sup>۴</sup>، روث<sup>۵</sup>، پانتین<sup>۶</sup> و ماسون<sup>۷</sup>، ۱۹۹۷؛ میکوچی<sup>۸</sup>، ۱۹۹۸؛ همتی، ۱۳۸۴).

در مجموع با توجه به تحقیقات انجام شده می توان گفت سبک های دلبستگی و الگوهای ارتباطی درون خانواده بر رفتار نوجوانان تاثیر زیادی دارد ، اما بررسی های انجام شده موید این مطلب است که احتمالا تا کنون در کشور ایران پژوهشی در زمینه سبک های دلبستگی و الگوهای ارتباطی با ارتباط باگرایش به جنس مخالف در دختران دبیرستانی انجام نشده است . گرایش شدید بسیاری از دانش آموزان دختر دبیرستانی به ارتباط باجنس مخالف و در نتیجه باز ماندن از تحصیل و یا افت شدید تحصیلی و همچنین آسیب های جدی که در اثر این ارتباطات به دختران چه به لحاظ عاطفی و چه به لحاظ روانی و اجتماعی وارد می آید به صورت یک معضل برای خانواده ها و مسئولین آموزش و پرورش در آمده است، این پژوهش سعی دارد تا بتواند با بررسی این موضوع قدم کوچکی برای شناسایی این مساله بردارد . در نتیجه این پژوهش در پی پاسخگویی به این سوال است که : آیا بین سبک های دلبستگی و الگوهای ارتباطی با ارتباط با جنس مخالف دختران دبیرستانی رابطه وجود دارد؟

### ۱ - ۳ - اهمیت و ضرورت انجام تحقیق :

از منظر جامعه شناسی و تاریخ ، خانواده نخستین نهاد بشری و ابتدایی ترین و کوچک ترین عضو جامعه است . خانواده به عنوان اولین آموزشگاه انسانی محسنی (۱۳۷۱) ، مهم ترین نقش را در چگونگی شخصیت روانی ، اجتماعی و فرهنگی فرزندان ایفا می کند (موسوی ، ۱۳۸۲) . با توجه به این که بخش مهمی از هویت ، اخلاق ، ارزش ها ، هنجارها و نحوه رفتار در زندگی روزمره توسط تعاملات اجتماعی و در بافت فرهنگ و الگوی جامعه پذیری خانواده شکل می گیرند (گافمن ، ۱۹۵۹ ، تینگ و تومی ، ۲۰۰۵ ؛ ریس ، ۲۰۰۵) ، توجه به خانواده و به ویژه الگوهای ارتباطی آن به عنوان پیش بینی کننده ابعاد هوش عاطفی به نظر می رسد (رحیمی و یوسفی ، ۱۳۸۹) . دوران نوجوانی یکی از بحرانی ترین ایام عمر است . در این دوره همان طور که نوجوان از لحاظ فیزیکی بدن ، دچار تغییرات می شود ، خلق و خوی او نیز تغییر کرده و اغلب با پرخاشگری و سیتزه جویی و ناسازگاری می خواهد به اصطلاح حرفش را به کرسی نشاند و از این راه کسب شخصیت کند. این

1- Gottfredson , M , R  
3- Silverberg , S  
5- Routh , D , K  
7- Muason , C

2- Hirschi , T  
4- Frauenglass  
6- Pantin , H  
8- Micucci , J

ناسازگاری ها گذرا و مقطعی است ، در صورتی که با روشی منطقی و اصولی با آن ها برخورد شود چندان مشکل آفرین نیست اما در مقابل جبهه گیری والدین ، این ناسازگاری ها تداوم پیدا کرده و به وضعیت تحصیلی ، شغلی و آینده نوجوان لطمه های جبران ناپذیری وارد خواهد کرد (مختاری ، ۱۳۸۶) .

همه ی جوامع ، به طبع ، خواستار سعادت و سلامت روان شناختی اعضای خانواده خود هستند و برای رسیدن به این خواسته ، باید تا آن جا که ممکن است ، عوامل تاثیر گذار بر سلامت و کیفیت زندگی را شناخت . یکی از این عوامل خانواده ونحوه ارتباطات اعضای آن با یک دیگر است (خیر و رحیمی، ۱۳۸۸). یکی دیگر از عواملی که بر رفتار اجتماعی ما اثر می گذارد ، سبک های دلبستگی افراد در کودکی و تاثیر آن در دوران بزرگسالی است . دلبستگی ، پیوند عاطفی ، هیجانی نسبتا پایداری است که بین کودک و مادر یا افرادی که نوزاد در تعامل منظم و دائم با آن هاست ، ایجاد می شود ( پاپالیا ، ۲۰۰۲ ؛ آشینه ، ۱۳۹۰) . مطالعات درباره سبک های دلبستگی و الگوهای ارتباطی نشان داده است که چگونه سبک های دلبستگی ممکن است عملکرد روانی را از طریق کیفیت پیوندهای عاطفی یک فرد تحت تاثیر قرار دهد. بنابراین، هرچه تحقیقات با ارزش تری در زمینه سبک های دلبستگی و ارتباطی انجام پذیرد، دانش و آگاهی بیشتری به نفع افراد در ایجاد و حفظ روابط در جامعه به دست می آید (بشارت و همکاران، ۱۳۸۲).

بررسی های انجام شده موید این مطلب است که احتمالا تا کنون در کشور ایران پژوهشی در زمینه سبک های دلبستگی و الگوهای ارتباطی با گرایش به ارتباط با جنس مخالف در دختران دبیرستانی انجام نشده است ، در نتیجه این پژوهش به منظور روشن سازی خلا پژوهشی فوق الذکر انجام می گیرد . نتایج جمع آوری شده می توانند برای بهبود روابط از طریق پیشرفت های رشدی، اجتماعی و عاطفی مورد استفاده قرار بگیرند . و به کاهش آسیب دانش آموزان دختر در روابط با جنس مخالف کمک کنند . این تحقیق می تواند به بهبود سلامت تجربه اجتماعی یک جوان کمک کند، یا دانشی را فراهم آورد که چگونه از دلبستگی های ناسالم در حال گسترش بزرگسالی، اجتناب کند. از یک طرف این تحقیق می تواند سهم مثبت پایداری در جهت شکل دهی زندگی و روابط جوانان داشته باشد. از طرف دیگر، خانواده ها ، آموزش و پرورش ، روان درمانگرهای خانواده و جامعه شناسان می توانند از اطلاعات به دست آمده از این مطالعه پژوهشی بهره مند شوند. به همین ترتیب، رفتارگرایان ، روان درمانگرهای خدمات مشاوره خانواده نیز می توانند از دانشی که این تحقیق در خصوص مناسبات متقابل جوانان در اختیار می گذارد، بهره بگیرند. تحقیق حاضر بر روی دوسازه به نام های سبک دلبستگی و الگوهای ارتباطی خانواده متمرکز شده است، که با گرایش دختران به جنس مخالف مرتبط است.